گفت‌وگو
دنیا حیدری

رؤیاهایش به حقیقت پیوسته بود. رؤیایی طلایی که هیچ کس به اندازه خود الیاس علی‌اکبری نمی‌دانست چه راه سخت و دشواری را برای رسیدن به آن طی کرده است. بارها روی سکو رفته بود. در چهار قاره از پنج قاره دنیا (امریکا، آفریقا، آسیا و اروپا). این طلا اما متفاوت‌تر از همه مدال‌هایی بود که گرفته بود، ولی حالا که نتیجه سال‌ها تلاش طاقت‌فرسا را گرفته بود، حتی توانی برای شادی کردن نداشت. دلش می‌خواست پرچم ایران را به دوش گرفته و سالن را دور بزند، اما تنها کاری که توانست انجام دهد، سجده شکر بود. سجده‌ای از سر شُکر که توانسته بود بار دیگر پرچم پرافتخار کشورش را بالاتر از سایر کشورها به اهتزاز درآورد تا به گفته خودش یکی از دلچسب‌ترین لحظات زندگی‌اش را تجربه کند: «هیچ چیزی لذت‌بخش‌تر از این نیست. شما در دو صورت می‌توانید پرچم کشورتان را به اهتزاز درآورید. یکی با جنگ و خونریزی که نه فقط باید بهای گزافی بابت آن بپردازید که انسانی هم نیست، اما راه دیگری هم هست که با افتخار دیگران را وادارید با احترام به سرود ملی کشورتان گوش فرا دهند و آن هم با ورزش است و خوشحالم که من توانستم در آخرین مأموریتم بار دیگر موفق به این کار شوم و شرمنده مردم عزیز کشورم نشدم. این غرورآمیزترین لحظه زندگی من بود. لحظه‌ای که با تمام حس‌های ناب دنیا گفتنی نیست.»

الیاس علی‌اکبری، قهرمان کوراش بازی‌های آسیایی:

حالا مسئولیتم بیشتر و سخت‌تر از قبل است

پاداشم لبخند مردم بود

فکرش را می‌کردید یکی از مردان طلایی ایران در بازی‌های آسیایی جاکارتا باشید؟ یکی از ۲۰ طلایی که به نام کاروان ایران ثبت شد.

مهم‌ترین مسئله این بود که به عنوان یک ورزشکار می‌دانستم به چه میدانی پا گذاشتم. هدفمند به جاکارتا رفته بودم. رفته بودم که مأموریتم را به خوبی به پایان برسانم. آن هم با کسب خوشرنگ‌ترین مدال بازی‌ها. این مدال مال من بود. سال‌ها برای رسیدن به آن تلاش کرده بودم. چند ماه قبل در گفت‌وگویی با رسانه‌های شهرم، اسفراین هم گفته بود که یا من طلای بازی‌های آسیایی جاکارتا را می‌برم یا آنهایی که بارها به من باختند.

اما کسب طلای بازی‌های آسیایی آن هم با وجود ازبک‌های مدعی و مصدومیت‌هایی که داشتی کار آسانی نبود.

صدالبته. هرچند که من در گروه مرگ قرار داشتم و جز حریف ازبک، دیگر حریفانم هم بسیار قوی بودند. مثل حریف ترکمنستانی که مدال جهانی و آسیایی داشت. البته ورزشکار اندونزی حریف سرسختی نبود، اما بعد از او با حریف مغولی بازی داشتم که بسیار قدر بود و ۶۰درصد از انرژی من را گرفت تا کارم برابر ورزشکار ازبک سخت‌تر شود. ورزشکاری که ازبک‌ها مانور زیادی روی او داده بودند و شاید همین مسئله و حساسیت بازی بود که سبب شد او در طول مسابقه به شکلی غیراخلاقی مچ آرنج من را برخلاف مفصل پیچانده و باعث مصدومیتم شود و با تکرار این کار، به دنبال کسب برتری بود که البته موفق نشد. البته نمی‌توان خیلی به او ایراد گرفت. حریف ازبک ۴ سال از من کوچکتر است و شاید جو مسابقه و احساسات بر او غلبه کرد ولی بعد از پیروزی سرش را بوسیدم و گفتم: ببخشید، این مدال مال من است. بعد از آن در فینال نیز موفق شدم حریف جوان و پرانرژی تاجیک را شکست داده و به گردن آویز طلای این مسابقات دست پیدا کنم.

البته از چوخه کاری که بر اصل مردانگی تربیت می‌شود و اصول پهلوانی را قبل از هر چیز دیگری می‌آموزد جز این هم انتظار نمی‌رفت.

واقعیت این است که عذرخواهی آدم را کوچک نمی‌کند. درست است که من برای طلا جنگیدم و تمام توانم را برای کسب آن گذاشتم، اما اگر قرار باشد برای رسیدن به این مدال از دایره اخلاق و انسانیت عبور کنید، مدالی که به دست می‌آورید کمترین ارزشی ندارد. برای همین هم است که همیشه از خدا خواستم قبل از هر مدال و موفقیتی، جنبه آن را به من بدهد و کمک کند تا این موفقیت‌ها باعث نشود که از راه درست خارج یا مغرور شوم. من از مکتب کشتی چوخه هستم. از مکتب پهلوانانی که مرام و مردانگی برایشان از هر چیزی مهم‌تر است. حتی از موفقیت و پیروزی و مدال.

با مصدومیت راهی فینال شدی. با توجه به شرایطی که داشتی، کسی مانع مسابقه دادنت نشد؟

قبل از جاکارتا هم مصدوم شده بودم که با آب درمانی توانستم خودم را به این مسابقات برسانم. قبل فینال هم به دلیل اتفاقاتی که در جدال با حریف ازبک رخ داد مصدوم شدم. از سوی دیگر شب قبل از مسابقه به دلایلی نتوانسته بودم بیشتر از ۴۵ دقیقه بخوابم و هر وقت شب قبل از مسابقه نمی‌توانم بخوابم، عملکرد بدی دارم و به همین دلیل کادر فنی و پزشکی گفتند که اگر در فینال شرکت نکنی هم اتفاقی نمی‌افتد. گفتند نقره بازی‌های آسیایی هم خیلی مهم است اما نقره برای من به معنای شکست بود. به همین دلیل گفتم تحت هر شرایطی مسابقه می‌دهم. می‌خواستم مأموریتم را به بهترین شکل به پایان برسانم. من هیچ نقره‌ای در کارنامه ورزشی‌ام کسب نکردم. هر بار به فینال رفتم طلا گرفتم. تنها نقره کارنامه ورزشی من برای بازی‌های ساحلی ۲۰۱۴ است که به دلیل دوپینگ حریفم به دست آوردم. چون قبل از فینال با حریف ازبک رو به رو شدم، بعد از اعلام دوپینگ او مدالم نقره شد.

چه حسی داشتی که هجدهمین طلای کاروان ایران و نخستین طلای بازی‌های آسیایی کوراش را برای کشورت به دست آوردی؟

خب اینکه می‌توانید خوشرنگ‌ترین مدال را برای کشورتان به دست آورید بهترین حسی است که می‌توانید تجربه کنید. هیچ لحظه‌ای در عمر یک ورزشکار لذت‌بخش‌تر از زمانی نیست که پرچم کشورش بالاتر از پرچم کشورهای دیگر به اهتزاز درمی‌آید و دیگران با احترام به سرود کشورش گوش فرا می‌دهند. شما هیچ وقت دیگری در هیچ کجای دنیا با هیچ هزینه‌ای نمی‌توانید این کار را تکرار کنید. این اتفاق فقط در ورزش رخ می‌دهد. اینکه می‌توانید یکی از ۲۰ نفری باشید که برای ایران طلا می‌گیرد، بهترین اتفاق دنیاست که بدون شک جز با لطف خدا به دست نمی‌آید. درست است که زحمات زیادی برای کسب این مدال کشیدم اما خدا مرا بغل کرد که توانستم سربلند از این آزمون بیرون بیایم و مأموریتم را با موفقیت به پایان برسانم.

از سلام نظامی و ادای احترامت به پرچم ایران بگو. بی‌تردید این یکی از ماندگارترین لحظات ثبت شده از زندگی ورزشی الیاس علی اکبری خواهد بود.

من یک سربازم. همه آنهایی که ورزش می‌کنند، سرباز کشورشان هستند. من از روزی که ورزش را با کشتی در کوچه پس کوچه‌های خاکی روستایم «سَست» آغاز کردم تا روزی که راهی جاکارتا شدم، یک مأموریت داشتم. مأموریتی که با روی سکو رفتن در بازی‌های آسیایی و کسب طلای این مسابقات با موفقیت به پایان رساندم و با سلام نظامی و احترام به پرچم پرافتخار کشور عزیزم، دینم را به ایران، به این پرچم، به مردم کشور، شهر و روستای خودم ادا کردم.

> **دلم می‌خواست به موفقیتی برسم و به این شکل دینم را به مردم ادا کنم. مردم روستای من غم نان دارند. مردمی که فرزندان آنها از کودکی در زمین‌های خاکی کشتی می‌گیرند و شاید سطح اقتصادی پایینی که دارند باعث شود موفقیت‌های اینچنینی در ورزش برایشان آرزوهایی محال به نظر آید**

> **همیشه از خدا خواستم قبل از هر مدال و موفقیتی، جنبه آن را به من بدهد و کمک کند تا این موفقیت‌ها باعث نشود که از راه درست خارج یا مغرور شوم. من از مکتب کشتی چوخه هستم. از مکتب پهلوانانی که مرام و مردانگی برایشان از هر چیزی مهم‌تر است. حتی از موفقیت و پیروزی و مدال**

یک بار خداحافظی کرده بودی. چه شد که برگشتی؟ برای کسب طلای جاکارتا برگشتی؟

ورزش قهرمانی مشکلات و سختی‌های زیادی دارد. این را تنها یک ورزشکار می‌داند. ورزشکاری مثل من که از یک روستای کوچک کارش را آغاز می‌کند. با سختی‌ها و کمبود امکانات می‌جنگد، اما گاهی انبوه مشکلات، مصدومیت‌ها و بی‌توجهی‌ها دلسردش می‌کند. بارها از اول شرع کردم. شاید این وقفه‌ها نیاز بود تا بار دیگر با انرژی بیشتری برگردم. من این طلا را مدیون خسرو یار و آقای نصیرنژاد هستم چون یک بار خداحافظی کردم ولی آنها از من خواستند که برگردم و برگشتم موفقیت‌آمیز بود و بعد از طلای جایزه بزرگ ازبکستان و آسیایی هند، توانستم نخستین طلای کوراش ایران در تاریخ بازی‌های آسیایی را هم به دست آورم.

الیاس علی‌اکبری از یک خانواده کاملاً ورزشی کارش را آغاز کرد. خانواده‌ای با عنوان‌های فراوان قهرمانی و پهلوانی. این چقدر توانست برای رسیدن به موفقیت به او کمک کند؟

خب اینکه از یک خانواده کاملاً ورزشی باشید هم می‌تواند کار شما را آسان و هم سخت کند. خانواده من همه از جنس ورزش بودند و به همه مشکلات و سختی‌های این راه آشنا. اما از طرفی همه برای خود قهرمانان و پهلوانان آشنایی بودند که کار مرا برای کسب موفقیت سخت می‌کردند. پدربزرگ من قهرمان گود چشمه زینل خان اسفراین و یکی از پهلوانان نامدار کشتی با چوخه بود. بعد از او پدرم قهرمان کشتی با چوخه و قهرمان و دارنده بازوبند کشتی پهلوانی بود. بعد از او، عمویم حسین اکبری که در تمام طول دوران ورزشی من به عنوان مربی در کنارم بود، یکی از اسطوره‌های تکرارنشدنی کشتی با چوخه بود و یکی از مدال‌آوران و قهرمانان جودوی ایران. به همین دلیل کار من بسیار سخت بود.

بعد از آنکه نتیجه تلاش‌هایت را دیدی و روی سکوی قهرمانی بازی‌های آسیایی رفتی چه کردی؟

اولین کاری که کردم تماس با مادرم بود. مادرم سال‌هاست که به سختی بیمار است. در روز مسابقه هم به دلیل استرس فراوان کارش به بیمارستان کشیده بود. بعد از رفتن روی سکو بلافاصله به او زنگ زدم و گفتم حالم خوب است. نگران نباش و گفتم به زودی برمی‌گردم و باید برایم قرمه‌سبزی درست کنی که حسابی هوس قرمه‌سبزی کردم. صدای مادرم می‌لرزید اما خیلی خوشحال بود که موفق شدم و من بعد از آن یک بار دیگر خدا را شکر کردم که شرمنده خانواده‌ام و مردم نشدم. بار دیگر خدا را شکر کردم که توانستم لبخند را روی لبان آنها بنشانم. راستش در طول مسابقه با حریف ازبک، دستم به شدت مصدوم شده بود و درد می‌کرد. می‌توانستم به دلیل رفتار غیرورزشی حریف یک پوئن مثبت برای خود بگیرم اما اگر دستم را می‌گرفتم، مادرم و خانواده‌ام که پای تلویزیون نشسته بودند و بازی را می‌دیدند ناراحت و نگران می‌شدند. پس به روی خودم نیاوردم و سعی کردم با تحمل درد، بازی را مدیریت کنم و خدا را شکر می‌کنم که توانستم برنده شوم.

الیاس علی اکبری، یکی از ۲۰ ورزشکار طلایی ایران در جاکارتا از یک روستای کوچک به نام «سَست» در اسفراین کار خود را شروع کرد و حالا موفقیت او می‌تواند امیدی باشد برای جوانان شهر و روستایش که روزی بتوانند موفقیت‌های او را تکرار کنند.

مردم روستای من، مردم سختکوشی هستند. همیشه دلم می‌خواست به موفقیتی برسم که نام روستا و شهرم را مطرح کنم و به این شکل دینم را به آنها ادا کنم. مردم روستای من، مردم مهربان و پرتلاشی هستند که غم نان دارند. مردمی که فرزندان آنها از کودکی در زمین‌های خاکی کشتی می‌گیرند و شاید سطح اقتصادی پایینی که دارند باعث شود موفقیت‌های اینچنینی در ورزش برایشان آرزوهایی محال به نظر آید اما حالا آنها به خوبی می‌دانند که دستیابی به هر آرزویی شدنی است. وقتی الیاس، یکی از بین آنها توانسته، چرا آنها نتوانند. من این را در چشمان مردمم می‌بینم. وقتی با جوانان شهر و روستایم تمرین کشتی و چوخه می‌کنم، آرزوهای بزرگی در چشمان تک تک آنها می‌بینم که امیدوارم روزی شاهد تحقق آنها باشم

بعد از بازگشت به ایران، تصمیم داشتی شبانه به اسفراین بروی. این به دلیل دلخوری بود که از مسئولان داشتی؟

خب واقعیت این است که گاهی اتفاقاتی رخ می‌دهد که کنار آمدن با آن سخت است. قبل از اعزام به جاکارتا، مسئولان اداره ورزش اسفراین یک مراسم بدرقه برایم گرفته بودند. قرار نبود اتفاق خاصی در آن رخ دهد. قرار بود قرآنی را ببوسم و مراسم بدرقه و خداحافظی ساده و کوچکی برگزار شود. اما مسئولان شهرم مرا از دیدن خودشان محروم کردند و گفته بودند که صلاح نمی‌دانند در این مراسم شرکت کنند و اگر مدال گرفتم در مراسم شرکت می‌کنند. بعد از ۲۷ سال خراسان نماینده‌ای در بازی‌های آسیایی داشت. حضور در بازی‌های آسیایی افتخار بزرگی بود برای من اما نظر من با مسئولان شهرم متفاوت بود. به همین دلیل ترجیح دادم شبانه به خانه بروم. ولی دوستانم مانع شدند و گفتند از مسئولان ناراحت هستی، مردم که گناهی ندارند و خوب که فکر کردم دیدم حق دارند. من هر چه دارم از مردم است و وقتی به اسفراین بازگشتم، حضور پرشور مردم در خیابان‌های شهر، چشمانم را گریان کرد. همه خستگی این سال‌ها از تنم بیرون رفت و با خودم گفتم خدایا، من لایق این همه محبت باشم.

می‌دانی که حالا برای جوانان شهر و روستایت یک الگو هستی؟

بله، می‌دانم و امیدوارم لایق باشم. این کار من را خیلی سخت می‌کند. باید خیلی حواسم به رفتارم باشد. این از کسب عنوان و مدال سخت‌تر است. در راه درستی که قدم بگذارم، خانواده‌ها مرا به فرزندانشان نشان می‌دهند و می‌گویند از او یاد بگیر اما اگر یک رفتار نادرست داشته باشم و اشتباه بروم، می‌گویند آخرش قرار است بشوی الیاس. این خیلی مهم است. این مسئولیت مرا خیلی بیشتر و سخت‌تر می‌کند و امیدوارم به یاری خدا، بتوانم الگوی شایسته‌ای برای جوانانی باشم که به من نگاه و سعی می‌کنند مثل من رفتار کنند. چه در عرصه ورزشی و چه غیر ورزشی.

بسیاری از هم‌تیمی‌هایت برای کشورهای دیگر به میدان می‌روند. هیچ وقت وسوسه نشدی به کشور دیگری رفته یا برای کشور دیگری مسابقه بدهی؟

بله، بسیاری از دوستانم که سال‌ها با آنها حتی در یک اتاق بودم برای کشورهای دیگری مسابقه می‌دهند. آلمان، هلند، استرالیا و... من به شخصه هرگز آنها را زیر سؤال نمی‌برم. هیچ کس از شرایط زندگی دیگران اطلاعی ندارد. شاید آنها ناجی یا نان‌آور یک خانواده باشند و برای هر جایی هم که مسابقه بدهند، برای من یک ایرانی هستند و موفقیتشان برایم حائز اهمیت است. اما من به شخصه نمی‌توانم برای پرچم کشور دیگری مسابقه بدهم. این به تفکرات هر فردی برمی‌گردد. شاید اگر هر کجای دیگری بروم و برای هر کشور دیگری مسابقه بدهم، از لحاظ مالی به بهترین شکل تأمین بشوم اما الیاس، فرزند ایران است، فرزند سست، فرزند اسفراین و خراسان شمالی و جز برای سربلندی و افتخار کشورش نمی‌تواند به میدان برود. حتی اگر این تلاش او نتیجه‌ای از لحاظ مالی نداشته باشد. من در بازی‌های ایندور گیم، ساحلی، داخل سالن، جهانی، آسیایی و... روی سکو رفتم و طلا گرفتم. چه چیزی می‌تواند مهم‌تر از این باشد که برای کشورت افتخارآفرینی کنی. این با هیچ چیزی عوض شدنی نیست.

بسیاری از ورزشکاران اما با وجود کسب موفقیت از شرایط مالی که دارند ناراضی هستند.

خب این مسئله را نمی‌توان کتمان کرد که مسائل مالی از اهمیت زیادی برخوردار است. ما همه زندگی خود را پای ورزش می‌گذاریم. از درس و زندگی جا می‌مانیم. کار و شغل دیگری هم نداریم و نیاز داریم به شکلی زندگی خود را از لحاظ مالی تأمین کنیم و این انتظار زیادی نیست که مسئولان در این راستا فکری برای ما بکنند و باید ورزشکاران را درک کرد. اگر گله‌ای از اوضاع مالی نامساعدی که دارند می‌کنند، این یک واقعیت است.

به نظر می‌رسد حالا توقعات الیاس بعد از موفقیت‌های بسیار و قرار گرفتن در رنکینگ یک کوراش دنیا بالاتر هم رفته. هرچند که از صحبت‌هایت اینطور برمی‌آید که قصد ادامه نداری.

هنوز تصمیمی نگرفتم. مصدومیت‌های زیادی دارم و به شدت خسته‌ام و نیازمند استراحت. باید فکر کنم که می‌توانم باز هم ادامه بدهم یا نه اما قبول کنید که ادامه دادن این راه و تکرار موفقیت‌ها نیازمند حمایت است. من مدال‌های زیادی گرفتم و بارها و بارها در مسابقات آسیایی ساحلی، مسابقات داخل سالن آسیا، مسابقات جهانی، مسابقات جایزه بزرگ و... اما برای تکرار این موفقیت‌ها باید شرایط مهیا باشد.

کسب نخستین طلای کوراش در بازی‌های آسیایی چه پاداشی داشت؟

پاداش من لبخندی بود که روی لبان مردم نشست. پاداش من رضایت مردم بود و بالا رفتن پرچم کشورم و ادای احترام به آن، اما شورای شهر اسفراین قول یک پروانه تجاری داده که خب البته من زمینی ندارم و پول خرید آن را هم ندارم که بخواهم از این پروانه استفاده کنم، اما باز هم دستشان درد نکند.

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان/خواهان‌ها پروین ظفر سعدی فرزند سعداله دادخواستی به طرفیت خوانده امیر فروتن فرزند علی اکبر به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک به شماره ۹۴۰۱/۳۵۸۰۰۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۰۷ به عهده بانک قوامین تقدیم شورای حل اختلاف شهرستان مشهد نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۴۵ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۳ شهرستان مشهد واقع در مشهد – بین قرنی ۲۲ و ۲۴ و به کلاسه ۹۷۰۵۱۰ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن مورخه ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ ساعت ۸:۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به شورا مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

م الف: ۲۶۵۴۶/ **مسئول دفتر شعبه ۱۴۵ شورای حل اختلاف مجتمع ۳ مشهد**

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان سیده عطیه افضلی دادخواستی به طرفیت خوانده محمد فرهان زاده و هدیه فرهان زاده به خواسته مطالبه وجه چک تقدیم شورای حل اختلاف شهرستان مشهد نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۶۴ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۳ شهرستان مشهد واقع در مشهد – بین قرنی ۲۲ و ۲۴ و به کلاسه ۹۷۰۴۹۷ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن مورخه ۱۳۹۷/۰۸/۱۹ ساعت ۱۰:۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به شورا مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

م الف: ۶۵۵۲ / **متصدی امور دفتری شعبه ۱۶۴ شورا حل اختلاف مجتمع ۳ مشهد**

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان شرکت پونیلیور ایران سهامی خاص با نمایندگی آقای ابراهیم اوزگور دادخواستی به طرفیت خوانده آقای محمدجواد زمان پور به خواسته مطالبه وجه بابت یک فقره چک به شماره ۱۶۵۴۱۰۳۹ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۰۱ عهده بانک ملت به مبلغ ۲۷/۷۲۰/۰۰۰ ریال به انضمام خسارات دادرسی و تاخیر تادیه تقدیم شورای حل اختلاف شهرستان مشهد نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۶۷ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۳ شهرستان مشهد واقع در مشهد – بین قرنی ۲۲ و ۲۴ و به کلاسه ۹۷۰۵۱۲ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن مورخه ۱۳۹۷/۰۸/۱۹ ساعت ۹ صبح تعیین شده است . به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور شورا مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به شورا مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

م الف: ۲۶۵۵۰/ **متصدی امور دفتری شعبه ۱۶۷ شورا حل اختلاف مجتمع ۳ مشهد**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابررای شماره۱۳۹۶۶۰۳۲۴۰۰۹۰۰۸۶۶۶ – ۱۳۹۶/۱۲/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی حلیمه امیری فرزند خدارحم به شماره شناسنامه ۲۱۸ صادره از گناوه به شماره ملی ۳۴۵۳۹۵۲۳۱۷۰ در ششدانگ یکبابخانه به مساحت۱۳۲ متر مربع پلاک ۱۳۴ فرعی از ۱۳۳۵۱ اصلی مفروز ومجزی شده از پلاک ۱۳۳۵۱/۱۶ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری از غلامرضا پیش بین مالک رسمی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

نوبت اول: ۱۳۹۷/۷/۳ – نوبت دوم: ۱۳۹۷/۷/۱۸

م الف ۹۸۶/ **سهراب خواجه – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر**

اصلاحیه نوبت اول

آگهی رای هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات تعیین تکلیف مستقر در ثبت و املاک شهرستان سنندج. تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل تایید گردیده لذا بدین وسیله مشخصات املاک در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نماید و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نموده و گواهی اخذ و تحویل اداره ثبت نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

م‌الف: ۷۲۸۶/ **رئیس ثبت منطقه یک سنندج – بهنام قباد**

نوبت اول: ۱۳۹۷/ ۷/ ۱۵ – نوبت دوم: ۱۳۹۷/ ۷/ ۳۰

بخش ۳: شش دانگ یک واحد کارگاه به نام فرزین آدابی فرزند محمد شریف صادره سنندج کد ملی ۳۷۳۲۰۱۰۰۲۳ تحت پلاک ۳۸۱۰ فرعی از ۲۷۵۷ اصلی بخش ۳ به مساحت ۷۳۳/۲۰ متر مربع. به آدرس سنندج بلوار مستضعفین روبروی ترمینال تهران

آگهی حصروراثت

خانم رابعه محمدی سمانی دارای شناسنامه شماره ۳/۳۷۳۲۶۸۲۸۱۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۸/۹۷۰۸۵۴ از این دادگاه درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زینب قوامی گرآباد به شناسنامه ۱۹۹/۳۷۷۰۷۷۹۵۵۹ در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۴ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به افراد مشروحه زیر:

۱. ملک محمد محمدی سمانی ش. ش: ۲۹۳ ت. ت: ۱۳۱۹/۱/۲ شماره ملی ۳۷۳۰۶۸۱۶۲۱ پسر متوفی

۲. رابعه محمدی سمانی ش.ش: ۳ ت.ت: ۱۳۲۴/۱/۱ شماره ملی ۳۷۳۲۶۸۲۸۱۱ دختر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت پی در پی ماهی یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

م‌الف: ۷۵۲۷/ **رئیس شعبه ۸ شورای حل اختلاف سنندج**